

فصلنامه‌ی اول

رهیافت انقلاب اسلامی

سال سوم، شماره ۱۱، زمستان ۱۳۸۸

صفحه ۱۹ تا ۳۸

انقلاب اسلامی ایران در نگاه متفکران فرانسوی

دکتر ناصر جمالزاده، عضو هیئت علمی دانشکده علوم سیاسی دانشگاه امام صادق (ع)
مصطفی اسماعیلی، کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه امام صادق (ع)

چکیده:

برای فهم و تبیین یک پدیده اجتماعی باید عوامل و گزاره‌های مرتبط با آن پدیده را به دقت مورد واکاوی قرار گیرد و در یک نظام معنادار به تحلیل آن پرداخته شود. یکی از مهم‌ترین موضوعات در عرصه علوم انسانی بحث انقلاب‌هاست که نقطه عطفی در تاریخ و سرگذشت یک ملت به حساب می‌آید. وقوع انقلاب اسلامی باعث شد تا توجه اکثر متفکران و نظریه‌پردازان انقلاب‌ها به آن معطوف شود و به دنبال تحلیل این پدیده متفاوت قرن برآیند. متفکران فرانسوی نیز از آغاز پیروزی انقلاب اسلامی ایران به تحلیل این پدیده از منظرهای گوناگون پرداختند، این مقاله سعی دارد در سطح متفکران و روزنامه‌نگاران برجسته فرانسوی تحلیل‌های آنها را مورد بررسی و نقد قرار دهد.

کلید واژه: انقلاب اسلامی، فوکو، الیویه روا، گارودی، دورژه، ریمون آرون، پل سارتر.

مقدمه:

پیروزی انقلاب اسلامی ایران فصل ممیزی از انقلابات و پدیده‌های اجتماعی در قرن بیست می‌باشد که در کانون توجهات اندیشمندان جهان قرار گرفته است. در حقیقت انقلاب و تحول در ملت‌ها امری نیکوست زیرا همه با یک عقیده و روح جمعی، تصمیم به ساختن آینده خویش گرفته‌اند اما آنچه انقلاب ایران را تبدیل به جنبشی متمایز از سایر انقلاب‌های هم عصر خویش می‌کند جنبه معنوی والهی این انقلاب است، اندیشمندانی نظیر فوکو، پیردگار معتقدند که مردم ایران در انقلاب خویش به خاطر نان و برنج انقلاب نکردند بلکه به دنبال یافتن چیز دیگری بودند، که به خاطر آن سینه خود را در مقابل سرب داغ قرار می‌دادند. (۱)

فرانسیویان در اروپا به مردمی ادب دوست و هنرپرور معروفند و از این فضا دانشمندان آنها نیز بی‌نصیب نمانده‌اند لذا در این مقاله نظرات اندیشمندانی همچون میشل فوکو، الیویه روا، ژان پیردیگار، کاریستیان برو مبرژه. کریستین بونو (یحیی بونو)، روزه گارودی، موریس دوورژه، ریمون آرون و ژان پل سارتر مورد تحلیل قرار خواهد گرفت.

۱- نظریه پردازان فرانسوی و انقلاب اسلامی ایران**۱-۱- میشل فوکو (Michel Foucault):**

فوکو (۱۹۸۴-۱۹۲۶ میلادی) در پواتیه فرانسه زاده شده و در دانشگاه سوربن فرانسه تحصیلاتش را در زمینه فلسفه آغاز کرد و بعد از اخذ مدرک لیسانس برای مدتی به عضویت حزب کمونیست فرانسه درآمد و بعد از دو سال این حزب را رها کرد و مشغول به مطالعه در زمینه روانشناسی شد. رساله دکترای ایشان در باب جنون بوده و به تحلیل روابط قدرت و معرفت پرداخته است. فوکو اندیشمندی پساگلی، بسیار تحت تأثیر اندیشه‌های مارکس، فروید و نیچه بوده است. (۲) و تا حد زیادی تحت تأثیر نیچه بوده است و این را می‌توان با مراجعه به یادنامه هیپولیت تصدیق کرد. (۳)

۱-۱-۱- چهارچوب نظری میشل فوکو:

میشل فوکو از جمله فیلسوفان و متفکرین پست در زمینه قدرت و تاریخ صاحب نظر بوده و در تحلیل پدیده‌های اجتماعی همواره این دو عامل را دخالت می‌دهد.

فوکو معتقد است قدرت محصور در دست عده‌ایی نیست و همچون ماده سیالی در بین انسان‌ها در جریان است و اختصاص به طبقه خاصی ندارد و کنترلی در جامعه صورت می‌گیرد از حیث مراقبت و تربیت انسان‌ها می‌باشد و نه از جهت اعمال قدرت (۴) قدرت همچون استراتژی و راهبردی است که باعث ایجاد شبکه ارتباطی و درهم تنیده بین انسان‌ها می‌شود (۵).

او برای تاریخ تعابیری همچون استحاله، تغییر شکل و تحول بنیادین یاد می‌کند و اعتقاد او

در مورد تاریخ را می‌توان در آثارش همچون «تاریخ جنون»، «تولد در مانگه» و «کلمات اشیاء» پی‌گیری کرد. فوکو در غالب آثار خود با رویکرد «باستان‌شناسی معرفت» یا «دیرینه‌شناسی دانش» به بررسی تاریخ پرداخته و آن تجسم یک شکیبایی طولانی و ناگسسته و حرکتی فعال است که باعث رفع تمام محدودیت‌ها می‌شود. (۶)

۱-۱-۲- فوکو و انقلاب اسلامی ایران:

میشل فوکو با صدور بیانیه‌هایی در سال ۱۹۷۵ میلادی به حمایت از آزادی خواهی مردم ایران بر ضد نظام مستبد شاهنشاهی، در کنار دیگر اندیشمندان فرانسوی تبدیل به چهره‌ای آشنا برای ایرانیان شد. او طی سفری در سال ۱۳۵۶ به ایران آمد و به شهرهای تهران، قم و آبادان رفت و با انجام یک پیمایش علمی متوجه شد و که مردم ایران هیچ نمی‌خواهند جزء حکومت اسلامی آنها نه درد مسکن و نه درد نان دارند در حالی که که تصویری صحیح از حکومت اسلامی در ذهن ندارند. (۷) از نظر او انقلاب اسلامی ایران، انقلابی منحصر به فرد در زمانه خود است که تا به حال تکرار نشده است و هیچ یک از دو خصوصیت کلاسیک حرکت‌های انقلابی را که شامل مبارزات طبقاتی و پیشروی یک طبقه انقلابی است ندارد. همچنین به نظر او در انقلاب اسلامی ایران جبهه‌بندی سیاسی به معنای دینامیک سیاسی وجود ندارد. (۸) و این ناشی از اراده جمعی مردم ایران بود که بر خروج شاه از کشورشان تاکید می‌کردند. (۹)

از نظر فوکو انقلاب اسلامی ایران گسستی در تاریخ و نقطه‌ای برای شروع فصل جدیدی برای مردم ایران بوده است و از سوی دیگر تمام مردم ایران در یک حرکت هماهنگ به صورت دسته‌جمعی و در قالب قدرت نهان در روابط بین انقلابیون توانستند نظام شاه را کنار بزنند. (۱۰) ایرانیان با انقلابشان، بازگشتی به معنویت از دست رفته خود داشتند و یک نوع معنویت سیاسی *Political Sprituality* را با عقلانیت سیاسی *Political Rationality* همراه کردند که منجر به وقوع انقلابی منحصر به فرد شد. (۱۱) و این معنویت‌گرایی ریشه در دین مردم ایران دارد دینی که شامل سمبل‌هایی همچون امام حسین (ع) است. (۱۲)

میشل فوکو در بازگشت به غرب مدت‌ها در مقابل انتقادات شدید دیگران به شبهات آنها پاسخ داد و از نظرات خود دفاع کرد؛ اما رفته‌رفته با اوج گرفتن انقلاب اسلامی ایران نظرات او تغییر یافت و طی یک نامه سرگشاده به مهدی بازرگان و مقاله «انقلاب بی‌حاصل» به انتقاد از حرکت‌های صورت گرفته از انقلاب اسلامی ایران همچون اعدام‌های انقلابی می‌پردازد.

۱-۱-۳- میشل فوکو در بوته نقد:

از آنجا که فوکو فیلسوفی پست مدرن است و به عنوان منتقد تمدن غربی محسوب می‌شود با وقوع انقلاب، او گمان می‌کرد همان تعاریفی که از معنویت در مکتب پست مدرن وجود دارد قابل تسری دادن به معنویت انقلاب اسلامی ایران است و با نفی هر آنچه که تمدن مدرن

نام دارد به اثبات انقلاب اسلامی ایران می‌رسد اما هنگامی که انقلاب اسلامی ایران وارد حوزه‌ی بایدها و نبایدها می‌شود برای فوکو خوشایند نبود؛ لذا تنها به جنبه خرق عادت بودن این حرکت از روند انقلاب‌های اتفاق افتاده در قرن بیست بسنده کرد.

۱-۲- اولیویه روا (Olivier Roy)

او در سال ۱۹۴۹ در لاروشل فرانسه متولد شد. وی متخصص در امر شرق‌شناسی و تز دکترای او درباره «جامعه در افغانستان معاصر» است. وی استاد مدرسه مطالعات عالی در علوم اجتماعی و انیستوی ملی زبان‌های زنده شرقی است. (۱۴) او سیاستدان و در زمینه علم فلسفه نیز مطالعاتی دارد و بخشی از فعالیت‌های او در باب مذهب در منطقه‌ی آسیا و به طور ویژه در ایران و افغانستان معطوف بوده است. (۱۵)

۱-۲-۱- اولیویه روا و انقلاب اسلامی ایران

روا در مقام یک مستشرق به تحلیل انقلاب اسلامی ایران با تأکید بر مذهب شیعه در ایران می‌پردازد. او معتقد است که انقلاب اسلامی ایران وام‌دار قدرت یافتن مذهب شیعه در زمان حکومت سلسله صفویه است (۱۶). او معتقد است که تا قبل از مرجعیت [امام] خمینی، مرکز جهان تشیع همواره خارج از ایران بوده است و ظهور [امام] خمینی [ره] نقطه عزیمت شیعه در ایران برای کسب قدرت به شمار می‌رود. (۱۷)

به نظر روا ورود شیعه به عرصه حکومت‌داری یک ورود سیاسی بوده است. (۱۸) او معتقد است که انقلاب اسلامی ایران سوار بر موج دین بوده که با استفاده از ابزارهای مختلف در تشیع، روحانیون توانستند قدرت را بدست بگیرند و اوج این حرکت و سیاسی شدن دین و مصداق بارز آن را در شخص امام خمینی (ره) و کتاب ولایت فقیه [امام] خمینی [ره] مشاهده می‌کند. (۱۹) او تأسیس شورای نگهبان را عامل لائیک شدن نظام حکومتی ایران می‌داند زیرا با رویکرد سیاسی به تعیین بایدها و نبایدهای قوانین اسلامی می‌پردازد. (۲۰)

او معتقد است روند حرکت انقلابی مردم ایران به سمت سکولاریزه شدن پیش می‌رود که اوج آن را به قدرت رسیدن دولت اصلاحات، توسط سید محمد خاتمی می‌داند که نماد آن را در کم اهمیت شدن مسئله حجاب و رشد بدحجابی در ایران و همچنین دادن شعارهایی در جهت نزدیکی به غرب و مدرنیزاسیون می‌داند (۲۱). او این گروه‌ها را مدرنیست‌ها (Modernists)، چپ‌گرایان (Leftists) و آزادی‌خواهان (Liberalists) می‌نامید. و برای او جالب است که عده‌ایی بسیار زیادی از این مدرنیست‌ها زمانی جزء نیروهای رادیکال انقلاب اسلامی ایران بوده‌اند برای مثال آقای موسوی خوئینی‌ها و علی‌اکبر محتمشی‌پور که در تسخیر لانه جاسوسی حضوری فعال داشتند و آقای میرحسین موسوی و

آیت الله صانعی، که بعدها در صف جبهه اصلاحات در آمدند از آن جمله می‌داند. (۲۲)

۱-۲-۲- روای و آینده انقلاب اسلامی ایران:

روا با یک روش تاریخ نگارانه به تحلیل وضعیت دین و سیاست در زمان قاجاریه و تطبیق آن با دوره انقلاب اسلامی ایران می‌پردازد. یکی از عوامل سقوط سلسله قاجاریه را سیاسی شدن دین و استفاده ابزاری از دین می‌داند که در این دوران مورد استفاده قرار گرفته است. وی معتقد است که به نوعی چنین اتفاقی در انقلاب اسلامی ایران نیز رخ داده است. (۲۳)

او معتقد است که رحلت [امام] خمینی [ره] به معنای پایان یافتن اجتهاد فقهی و سیاسی همزمان با هم بود به علت آنکه جانشین ایشان هر دو این ویژگی و خصوصیت را هماهنگ با همدیگر نداشتند (۲۴) و با فوت [امام] خمینی [ره] ویژگی دیگر یعنی اجتهاد سیاسی یا آگاه به زمان بودن اهمیت پیدا کرد و به عنوان کلیدی‌ترین ویژگی مطرح شد. (۲۵)

۱-۲-۳- روای در بوته تحلیل و نقد:

روا در همه آثار خود خود سعی دارد بیان کند دوران اسلام سیاسی تمام شده است و اسلام در منطقه خاورمیانه رو به زوال می‌باشد اوج نظر ایشان را می‌توان در کتاب «شکست اسلام سیاسی» مشاهده کرد. (۲۶) او در مقاله خود از دلایلی استفاده می‌کند که حاکی از عدم آگاهی او از شرایط دقیق نظام حکومتی اسلامی ایران دارد. برای مثال بیان می‌کند که این قانون است که تابع رهبری و امیال مسئولین در ایران است و کاربرد دین را در حد استفاده ابزاری از آن می‌داند، و این در حالی است که طبق قانون اساسی ایران همه قوانین ریشه در شرع دارند و این شرع و دین است که محدوده قوانین را مشخص کرده و هیچ فاصله‌ای بین دین و قانون در نظام ایران مشاهده نمی‌شود و در بخش‌های دیگر مقاله خود انتخاب آیت الله خامنه‌ای به عنوان جانشین حضرت امام (ره) را جلوه‌ای از سکولار شدن حکومت اسلامی ایران می‌داند (۲۷) در حالی که براساس اصل ۱۰۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران رهبر انقلاب اسلامی ایران باید دارای ویژگی‌های اجتهاد سیاسی و فقهی باشد و معتقد بود آیت الله خامنه‌ای تنها از دید فقهای شورای خبرگان اجتهاد سیاسی داشته است. این ادعا قابل نقض است چون اولاً در آن زمان آیت الله خامنه‌ای اجتهاد فقهی داشتند و ثانیاً این یک مسئله درون دینی است که اعضای مجلس خبرگان براساس اجماعی که داشتند به این نتیجه رسیدند که شخصی که آگاه به زمان است رهبر شود و این بدان معنی نیست که ایشان اجتهاد فقهی نداشتند و سوم اینکه تنها رقیب ایشان در آن زمان آیت الله منتظری بود که او نیز قبلاً توسط امام خمینی (ره) کنار گذاشته شده بودند و از نظر علما شایستگی برای اداره و رهبری نظام اسلامی را نداشتند. (۲۸)

نقد دیگری که به نظریات روا وارد است این است که او بسیار تمایل دارد که تمام شدن اسلام

گرایی و اسلام سیاسی را مطرح کند که واقعیات جهان معاصر خلاف این نظر را ثابت می‌کند و مشخص شده است هر چه زمان از نهضت امام خمینی سپری شده است اسلام سیاسی قدرتمندتر از گذشته شده است و افراد بیشتری از مسلمانان به این نهضت بیداری اسلامی گرویده‌اند.

۱-۳-۳- کریستیان برومبرژه (Christian Bromberger):

برومبرژه یکی از ایران‌شناسان شناخته شده فرانسوی، دارای مدرک مردم‌شناسی است که استاد دانشگاه مارسلی و مدیر تحقیق در مرکز ملی تحقیقات علمی (CNRS) است. او سال‌ها در ایران زندگی کرده و پایان‌نامه‌اش نیز درباره ایران است. (۲۹)

کریستیان برومبرژه، در مقاله‌ای با عنوان «اسلام و انقلاب در ایران» با روشی مردم‌شناسانه و با رهیافت فرهنگی به سراغ انقلاب اسلامی رفته و سعی دارد تشیع و نمادهای شیعی را محورهای اصلی تحلیل خود قرار دهد، او می‌گوید پنج خصوصیت، این مذهب را انقلابی جلوه می‌دهد و باعث می‌شود حرکتی سیاسی اجتماعی به بزرگی انقلاب اسلامی ایران رخ دهد: ۱- «استقلال اقتصادی علمای شیعه»، ۲- «استقلال سیاسی آنان»، ۳- «توان تشکیلاتی و سازمانی و سازماندهی حوزه‌های علمیه» ۴- «اصل امامت و استمرار آن در اصل فقاهت»، ۵- «زنده نگه داشتن کربلا و نمادهای جاودانه آن» که مورد اخیرش از همه بیشتر در انقلاب اسلامی ایران اثرگذار بوده است. (۳۰)

۱-۳-۱- برومبرژه و انقلاب اسلامی ایران:

برومبرژه معتقد است وقوع انقلاب اسلامی ایران بر هم زنده نظم جهانی، حرکتی بر ضد جریان غرب گرا بود که معادلات منطقه را به کلی برهم زد و گفتمانی جدید در منطقه بنا نهاد که در حساس‌ترین منطقه جهان به وقوع پیوست. (۳۱)

او معتقد است که امروزه تفکر و فهم درستی از انقلاب اسلامی ایران در غرب وجود ندارد و دانشمندان غربی به جای تحلیل واقع بینانه این انقلاب چشم خود را به روی برخی از واقعیات این انقلاب بسته‌اند که باعث فهم نادرست آنها شده است. (۳۲) او می‌نویسد: «انقلاب ایران به همان اندازه که شایسته نقد است سزاوار تأمل و تفکر نیز هست» (۳۳) او سعی کرده است با شناسایی و رمزگشایی واقع بینانه از سمبل‌های انسان‌شناختی جامعه ایرانی به تفسیر درستی از حرکت انقلاب مردم ایران پردازد. به نظر او وجود مجموعه‌ای از سمبل‌ها در بستر دین باعث وقوع انقلاب اسلامی ایران شد و به ترسیم چارچوبی سمبلیک و آئینی از انقلاب ایران می‌پردازد. (۳۴)

۱-۳-۲- مذهب و اقتدار انقلاب اسلامی ایران:

جایگاه و شخصیت امام حسین (ع) در مذهب شیعه، شخصیت برجسته او است که در بین

مسلمانان ایران و جهان تشیع تبدیل به سمبل و نمادی از آزادی و شهادت شده است. از نظر برومبژه حادثه کربلا به عنوان عامل پیوند دهنده و الگویی برای هدایت وقایع مختلف در طول حرکت انقلابی مردم ایران از جانب علما استفاده شده است. (۳۵) به اعتقاد او تأثیر این گفتمان در جریان انقلاب را می‌توان در بیانات آیت‌الله‌ها با محوریت مثلثی از شاه، یزید و دولت، یافت و همین امر موجب می‌شده که شعارهای مردم ایران هم از این الگوی بی‌نصیب نماند، همچون: «درخت آزادی جز با خون ما رشد نخواهد کرد»، یا «مرگ سرخ به از زندگی ننگین زیر ظلم است». (۳۶)

از طرفی او معتقد است که مساجد و حسینیه‌ها محل‌هایی هستند که تمام مسلمانان از کودکی با آنها سروکار دارند، این مکان‌ها به علت سادگی و حضور انسان‌های دین‌دار در آن باعث جذب مردم می‌شود و در حقیقت پایگاه اجتماعی برای فعالیت‌های ضد سلطنتی بوده است و علما در این محل‌ها به تربیت دینی مردم می‌پرداختند. (۳۷)

مذهب در انقلاب اسلامی ایران به عنوان یک روح کلی بود که در برگیرنده تمام مطالبات مردم در ایران و حتی گروه‌های دیگر با ایدئولوژی‌های متفاوت بود. آنها راهبرد مناسب را جمع شدن در زیر این پرچم دیدند و این مذهب بود که مردم را در یک ید واحد به سمت هدفشان رهبری کرد. (۳۸)

چشم‌پوشی از تأثیر اسلام و نقش بسزای آن در بسیج کردن و پویایی حرکت‌های مردمی رویکردی غیر اصولی است زیرا این اسلام بوده است که وجه‌ای منحصر به فرد به آن داده است. (۳۹)

برومبژه معتقد است در حالی که شاهان گذشته مانند سلسله صفویه و قاجاریه توجه بسیار زیادی به علما و حضور آنها در دستگاه حکومتی می‌کردند و از منزلت بالایی در نظام حکومتی برخوردار بودند و حتی شاهان صفویه مشروعیت خود را از دین و عالمان دینی می‌گرفتند اما حکومت پهلوی برای مشروعیت‌سازی حکومت خود رویکردی دیگر در پیش گرفت (۴۰). رژیم پهلوی، حکومتی که با کودتا و استبداد و سرنگونی حکومت قاجارها در ایران بر سرکار آمده بود. با ادعای یک نظام کارآمد، دست به انجام یکسری اصلاحات و نهادینه کردن مشروعیت خود در بین مردم زد.

ولی الگویی که حکومت پهلوی انتخاب کرد ساده‌انگارانه، شتابزده و ناهماهنگ با فرهنگ مردم بود. برای مثال «سپاه دانش»، «سپاه دین»، و «جشن‌های ۲۵۰۰ ساله» اقداماتی برای مشروعیت بخشی به نظام پهلوی و ایجاد یک سلطه هژمونیک در ایران با هدف مدرنیزاسیون بود، رویکردی که توجهی به دین و مذهب مردم ایران نداشت و همواره بر دو چیز تأکید و پافشاری کرد: یکی تبلیغ بر استثنایی و منحصر به فرد بودن ایران و دیگری دعوت به غرب‌گرایی (۴۱).

۱-۳-۳- کرستیان برومبژه در بوته نقد

برومبژه با رویکردی مردم‌شناسانه به تحلیل نمادها و وقایع انقلاب اسلامی ایران می‌پردازد و در مقایسه با دیگر اندیشمندان این عرصه به تحلیلی نوین از انقلاب ایران دست می‌یابد. او نقطه عزیمت انقلاب اسلامی ایران را در مذهب مردم ایران و تعلقات خاطر آنها به سمبل‌های دینی خود می‌داند و علما را به عنوان متخصصان تربیت مردم موثر در جنبش عمومی مردم می‌داند و آنها را رهبران اصلی انقلاب می‌خواند. او با مطالعه موردی مذهب در حکومت‌های صفویه، قاجاریه و پهلوی، مذهب را روح کلی مردم ایران می‌داند و عامل پیوند دهنده آنها را سمبل شهادت که از نهضت امام حسین (ع) الهام گرفته است ذکر می‌کند.

شاید بتوان گفت که تحلیل‌های برومبژه از انقلاب اسلامی ایران و ترسیم وجهی فرهنگی و مذهبی از آن به واقعیت نزدیک‌تر باشد و این را می‌توان در گذر تاریخ انقلاب مشاهده کرد که علی‌رغم تمام تهدیدهای دشمنان و تهاجمات فرهنگی آنها علیه نظام و انقلاب اسلامی ایران، مردم ایران با تأثیری از مکتب امام حسین (ع) و پیروی از علما و روحانیون هر چه متحدتر بر سر اهداف خود ایستاده‌اند و حتی بعد از گذشت سی سال هنوز با مقاومت زیاد از اصول و اهداف آن دفاع می‌کنند.

۱-۴- ژان پیر دیگارد (Jean Pierre Digard):

پیردیگارد همچون برومبژه متخصص مردم‌شناسی است که انقلاب ایران را از منظر مردم‌شناسانه مورد بررسی و تحلیل قرار داده است از ایشان آثار متعددی نظیر «تشیعی دیگر» (تشیع در ایران)، در زمینه انقلاب اسلامی ایران منتشر شده است. او کتاب دیگری به صورت مشترک با دیگر ایرانشناس برنارد هورکار، با عنوان «ایران در قرن بیستم» تألیف کرده است. (۴۲)

۱-۴-۱ پیردیگارد و انقلاب اسلامی ایران

به نظر دیگارد دو عامل باعث وقوع انقلاب اسلامی ایران شده است:

۱. سیاست‌های ضد دینی که از سوی حکومت پهلوی برای مشروعیت دادن به حکومت اعمال شد.

۲. تلاش خستگی‌ناپذیر روحانیون و روشنفکران ایرانی اعم از متفکرین کلاسیک و اصلاح‌طلبان مذهبی همچون علمای متعهد یا مسلمانان ترقی‌خواه برای کنارزدن استبداد (۴۳)

دیگارد معتقد است که امامت و شهادت دو بازوی حرکت مردم ایران در طول انقلاب اسلامی بوده است. مردم ایران خود را پیرو امام علی (ع) و خانواده ایشان می‌دانند، خانواده‌ایی که به اعتقاد شیعیان به ناحق از قدرت و حکومت بر مردم کنار مانده‌اند و این اعتقاد تا زمان

غیبت امام دوازدهم شیعیان ادامه یافته است. در حقیقت مردم ایران، روحانیون و عالمان دین را ادامه دهنده راه اهل بیت می‌دانند و از طرفی شهادت فرزند امام علی (ع) نمادی از ظلم‌ستیزی و عدالت‌خواهی برای مردم ایران است. (۴۴)

او وجود رهبری دینی را عامل وحدت در این انقلاب می‌داند و معتقد است امام خمینی با طرح نظریه ولایت فقیه خود، سهم بسزایی در جهت‌دهی حرکت مردمی به سمت پیروزی انقلاب اسلامی ایران داشت. او معتقد است که این نظریه تنها معطوف به امام خمینی (ره) نبوده است و به عنوان اصلی بنیادین ریشه در اسلام و تشیع دارد که با وقوع نهضت‌های ضد کاپیتالیستی و ضد لیبرالیستی از سوی علما در قبال دولت باعث تبلور این نظریه در اندیشه امام خمینی (ره) شده است. (۴۵)

به نظر دیگراد اسلام شیعی یک الگوی بسیار عالی است که طرفداران هر گروه فکری می‌توانند تمایلات و خواست‌های خود را در آن پیگیری کنند و از جهتی مردم ایران در عین تنوع نژادی و مذهبی توانسته‌اند نظریات متفاوتشان و در عین حال سمبل‌های تشیع را، همگن کنند و همین امر باعث نهادینه شدن اجماع همگانی در جامعه شده است. (۴۶)

او معتقد است که تشیع در ایران علاوه با استفاده از سه عنصر اصلی الف) سازمان شیعه (روحانیت) ب) نیروی عملیاتی (مستضعفین) ج) نیروی پشتیبانی (سرمایه‌داران بازار) توانسته است حرکت مردم ایران به سمت هدفشان را تسریع بخشد می‌شد و گذشته از این، یک جنبه اقناع‌کنندگی برای جمع کردن ارزش‌ها و آرمان‌های متضاد گروه‌های دیگر بوجود آورده است. (۴۷)

۱-۴-۲- پیر دیگراد در بوته نقد:

دیگراد از منظر مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی به شناسایی سمبل‌ها و علت‌های پیروزی انقلاب ایران می‌پردازد و در نهایت جامعیت و انعطاف دین شیعه را علت پیروزی انقلاب اسلامی ایران می‌داند.

اما نکته‌ای که باید در نظرات دیگراد مورد توجه قرار داد این است که اکثریت مردم ایران شیعه هستند و همین عامل باعث ایجاد گفتمان مذهبی و وحدت در بین مردم به رهبری امام خمینی شده است و از جهت دیگر دین اسلام دین تفسیر و تاویل بر اساس خواسته‌های نفسانی نیست بلکه عالمان دینی با تفکر و اجتهاد در دین تعبیر دیگری از دین که مطابق با نیازهای مردم باشد ارائه می‌دهند.

۲- نویسندگان و روزنامه نگاران فرانسوی در باب انقلاب اسلامی ایران

در این بخش به تحلیل و بررسی نظرات آن دسته از دانشمندانی می‌پردازیم که نگاه

اجمالی و گذرا به انقلاب اسلامی داشته اند.

۲-۱- موریس دوورژه (Maurice Duverger):

موریس دوورژه سیاست‌شناس و حقوق‌دان مشهور فرانسوی است که آثار متعددی در زمینه‌های علوم سیاسی، جامعه‌شناسی و حقوق عمومی دارد. کتبی مانند «اصول علم سیاست»، «جامعه‌شناسی سیاسی»، «احزاب سیاسی»، «رژیم‌های سیاسی»، «حقوق عمومی» «مالیه عمومی»، از آن جمله‌اند. او در سال ۱۹۱۷ در فرانسه متولد شد و در هنگام وقوع انقلاب ایران بیش از شصت سال سن داشت، او در جریان انقلاب ایران دست به قلم شد و این پدیده منحصر به فرد را با رویکرد جامعه‌شناسی و سیاسی تحلیل کرده است و در این زمینه مقاله‌ای تحت عنوان «استبداد نظامی» به رشته‌ی تحریر درآورد. (۴۸) در نهایت ایشان در سال ۱۹۸۵ چشم از جهان فرو بست. شاید بتوان گفت یکی از ابداعات ایشان، «قانون دوورژه»، بوده که رابطه بین تعداد کرسی‌ها به ازای هر حوزه انتخاباتی و تعداد حزب‌های «موثر» را بیان می‌کند. (۴۹)

۲-۱-۱: دوورژه و انقلاب اسلامی ایران:

دوورژه در مقام یک سیاست‌شناس کلاسیک به تحلیل انقلاب ایران می‌پردازد و علت شورش و طغیان مردم را نظام استبدادی شاه و عدم مشروعیت او می‌داند زیرا سلسله پهلوی از زمان تأسیس با استبداد و کودتا به قدرت رسید و همین امر موجب نهادینه کردن نفرت مردم نسبت به نظام شاهنشاهی شد (۵۰). ازسوی دیگر اصلاحات ارضی در سال ۱۹۶۲ میلادی باعث نارضایتی زمینداران بزرگ شد و اقدامات لائیک و مدرنیزاسیون شاه نیز باعث برانگیختن خشم روحانیت شد. در حقیقت در این زمان بود که روحانیون مردم را به یک حرکت عظیم علیه شاه ایران فرامی‌خوانند. (۵۱)

به نظر دوورژه تمام طبقات اجتماعی ایران علیه شاه بودند به جزء دو گروه: الف) تکنوکرات‌ها ب) تاجران تازه به دوران رسیده که به خاطر سود کلان ناشی از درآمدهای نفتی، حامی شاه و سیاست‌های او بودند. (۵۲) او همچنین معتقد است که شاه در زمینه سیاسی دچار شکست سختی شده وقتی که به تأسیس چهار حزب سیاسی در دوران سلطنت خود اقدام کرد. دو حزب سلطنت طلب در سال ۱۹۵۷م [حزب ملیون و حزب مردم] و یک حزب تکنوکراتیک در سال ۱۹۶۴م [حزب ایران نوین] و حزب واحد رستاخیز در سال ۱۹۷۵م، در طی ۲۰ سال حکومت وی ایجاد شد که تمام این احزاب با هدف نفوذ هرچه بیشتر حکومت بر مردم بوده است. (۵۳)

۲-۱-۲: دوورژه در بونه نقد:

موریس دوورژه همچون یک سیاست‌دان و جامعه‌شناس به تحلیل پدیده انقلاب اسلامی

ایران می‌پردازد. او ریشه وقوع این انقلاب را شکاف بین طبقات اجتماعی مردم و حکومت می‌داند و در ضمن این مطالعه موردی در باب انقلاب اسلامی ایران سعی می‌کند با رویکردی جامعه‌شناسانه و با تأکید بر مشکلات اقتصادی موجود در ایران به تحلیل رویدادهای انقلابی ایران بپردازد.

۲-۲- روژه گارودی (Roger Garaudy)

روژه گارودی (تولد ۱۹۱۳) متفکر مسلمان فرانسوی را می‌توان از موضع‌گیری‌اش در مقابل مسئله فلسطین و مقاله‌هایی که بر ضد صهیونیسم و جنایات آنها نوشته است شناخت. او از جمله متفکرین فرانسوی است که با وقوع انقلاب اسلامی ایران به تحلیل این انقلاب پرداخت و به نوعی این انقلاب را یک نه بزرگ به نظام سلطه غرب می‌داند. (۵۴)

۲-۲-۱ روژه گارودی و انقلاب اسلامی ایران:

گارودی معتقد است شاه ایران به دنبال نهادینه کردن فرهنگ دیگری بود که خود نوعی ضد فرهنگ برای مردم مسلمان ایران به حساب می‌آمد، باعث بروز انقلاب شد. در حقیقت انقلاب ایران تقابلی بین دو نوع جهان‌بینی بود، یکی جهان‌بینی مادی با رهبری آمریکا و دیگری جهان‌بینی الهی، پرستش خدا و حرکت همه به سمت کل واحد به رهبری امام خمینی بود که دو نوع جهان‌بینی متضاد را ایجاد کرده است (۵۵). او معتقد است انقلاب ایران با هدف مقابله با استعمارگران و ثروتمندان در زمینه اقتصادی، و در مقابله با حکومت شاهنشاهی در زمینه سیاسی و فراهم کردن آزادی ملت‌های آسیب دیده جهان در زمینه اجتماعی ایجاد شده است. (۵۶)

به عقیده ایشان رهبری امام خمینی (ره) در انقلاب اسلامی ایران باعث محور قرار گرفتن خدا و رویکرد حق محور شد که به وسیله آن تمام الگوهای مادی کنار زده شد. (۵۷) با وقوع انقلاب اسلامی ایران مفاهیم نو در عرصه سیاست جهانی به وجود آمد و به نظر گارودی انقلاب ایران تمدنی جدید را به جهان معرفی کرد و در مقابل این انقلاب کسانی دست به کینه‌توزی زدند که زندگی را از معنای اصلی‌اش خارج کرده بودند. (۵۸)

۲-۲-۲ پیامدهای بعد از وقوع انقلاب اسلامی ایران

گارودی معتقد است که ما همیشه شاهد جنگ و منازعه بر سر قدرت بوده‌ایم برای مثال آمریکا و شوروی در خلال جنگ سرد در تقابل نظامی و تسلیحاتی با یک دیگر بوده‌اند که البته در نهایت برنده آن آمریکا بود.

او معتقد است که آمریکا همواره برای توجیه عملکرد خود در جهان نیازمند تعریف دوست و دشمن در جهان است لذا بعد از جنگ سرد که آمریکا تبدیل به قدرت هژمون جهان شد، به دنبال یکسان‌سازی قدرت در سطح جهان بر آمد و استراتژی جدید خود یعنی

حق ترسیدن از دشمن را مطرح کرد تا بتواند به گسترش تسلیحاتی خود بپردازد. این دشمن جدید از نگاه سیاستمداران و نظریه پردازان آمریکایی کسی جز اسلام و انقلاب ایران نبود، لذا مشاهده می شود که آقای ساموئل هانتینگتون در سال ۱۹۹۴ در مجله *commentaire* در شماره ۶۶ نظریه ای را تحت عنوان «برخورد تمدن‌ها» مطرح می کند که در جهت تشکیل ائتلافی بر ضد انقلاب اسلامی ایران یعنی تمدن اسلامی بوده است و همین نگاه منحرف باعث جلوگیری از جلوه انقلاب اسلامی شد. (۵۹)

۲-۳- گارودی در بوته نقد:

گارودی با رویکردی سیاسی و اجتماعی در قالب یک سیاست‌دان به تحلیل انقلاب اسلامی ایران می پردازد و هدف از انقلاب را در دو چیز می داند:

۱. کنار زدن حکومت شاه (از حیث سیاسی)
 ۲. کمک به مردم آسیب دیده جهان (از حیث اجتماعی)
- ایشان به بعد ماورایی و توحیدی انقلاب اسلامی ایران توجه ویژه ای می کند و جهان بینی اسلامی را علت اصلی وقوع انقلاب اسلامی ایران می داند. آقای گارودی همچنین در برابر قضیه فلسطین ساکت نماند و همواره سعی بر حقیقت جویی و کالبد شکافی مسئله فلسطین داشت و با رویکردی ضد امپریالیستی و هژمونیک آمریکا، به بحث‌ها و پدیده‌های گوناگون نگرست.

۲-۳- کریستین بونو (یحیی بونو):

یحیی بونو در سال ۱۹۵۷ میلادی در فرانسه به دنیا آمده است و همزمان با پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹ میلادی، در سن ۲۲ سالگی، به اسلام روی آورد و اسم خود را از کریستین به یحیی تغییر داد و به همراه همسرشان مقلد امام خمینی (ره) شد. ایشان فارغ التحصیل دانشگاه سوربن فرانسه است و تز دکترای خود را با عنوان «امام خمینی عارف ناشناخته قرن» به رشته تحریر در آورده است. در دانشگاه سوربن در رشته عربی و اسلام‌شناسی تحصیل کرده است.

او در سن ۱۶ سالگی از سبک زندگی غربی به ستوه می آید و دبیرستان را رها می کند تا اینکه به واسطه آشنایی با حزب اخوان المسلمین و آثار آقای رنه گینو، به مذهب اسلام روی می آورد و در مرحله دیگر در نتیجه آشنایی و تاثیر پذیری از هانری کربن به کیش شیعه در می آید. او در ابتدای انقلاب با امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی ایران مخالف بوده است و علت آن را معرفی ناقص امام خمینی در رسانه‌های غربی می داند؛ زیرا امام به عنوان فردی که با فلسفه و عرفان مخالف است معرفی شده بود تا اینکه بونو با کتاب‌های فلسفی و

عرفانی امام، همچون «سرّ الصلاة» «شرح دعای سحر» آشنا می‌شود و همین امر باعث تغییر اندیشه‌های بونو نسبت به انقلاب اسلامی ایران و امام خمینی می‌شود. (۶۰)

۲-۳-۱ بونو و انقلاب اسلامی ایران:

وقوع انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی (ره)، با پیام مذهبی، باعث جلب توجه تحلیل‌گران غربی می‌شود در این بین بونو که به تازگی اسلام را اختیار کرده، باعث آشنایی بیشتر او با امام خمینی (ره) می‌شود. هدف او از نوشتن کتاب «امام خمینی عارف ناشناخته قرن» دو چیز بوده:

الف) معرفی کتاب عرفانی امام به خاطر آنکه عرفان اصل اسلام است و به نظر او این عرفان است که منجر به معرفت خدا و معرفت امام و خلیفه خدا می‌شود.

ب) طرح و معرفی عرفان اصیل شیعی در مقابل عرفان‌های ضاله و ساختگی دیگر همچون فرقه یوهگی، بوزی، هندو که امروزه در غرب گسترش پیدا کرده است.

بونو انقلاب ایران را یک انقلاب عرفانی به رهبری امام می‌داند، انقلابی که باعث تحول در جهان شد و چهره واقعی فلسفه و عرفان شیعی از طریق آن نمایان شد. او معتقد است که غرب امروز به دنبال عرفان ناب است در حالی که غرب امروز با مسلمانانی همچون اخوان المسلمین که هیچ‌گونه زندگی عرفانی و روحانی ندارند و تنها ظاهر اسلام یعنی ریش و سبیل را رعایت می‌کنند مواجه هستند. از نظر او عرفان باعث حرکت یک ملت است، زیرا عرفان اصل و مرکز زندگی انسان است که بدون آن تحول و سیورورت ممکن نیست و وقتی مرکز ثابت شد امور فکری و معنوی هم درست می‌شود. (۶۱)

او معتقد است غرب امروز در حس‌گرایی مطلق است و تمدن امروز غرب رو به زوال است برای مثال در غرب کتابی نوشته می‌شود با عنوان «خدا و علم» که در آن ادعا شده است که خدا کشف گردیده است و آن «هیولی» یعنی کوچک‌ترین بخش ماده که از پروتون هم کوچکتر است می‌باشد این در حالی است که غرب در مقابل تمدن اسلامی رویکردی نامتعارف دارد و اسلام را در دو بعد معرفی کرده است:

الف - اسلام عرفانی و فلسفی که امروزه خبری از آن نیست و اگر هم هست در فرق صوفیه است.

ب) اسلام سیاسی که مخالف عرفان و فلسفه است مثل حرکت‌های اخوان المسلمین در حالی که غرب چهره واقعی تمدن اسلامی را که پرچمدار آن انقلاب عرفانی اسلامی ایران است، مخفی کرده است. (۶۲)

بونو معتقد است امروز جبهه کفر به صورت همه‌جانبه و متحد در مقابل اسلام و انقلاب صف‌آرایی کرده‌اند در حالی که در صدر اسلام، روم و ایران این چنین با یکدیگر، در مقابل

اسلام متحد نبودند و همین اختلاف باعث شد که در آن زمان اسلام تا قلب ایران و روم نفوذ کند و مردم جهان را از بدبختی نجات دهد. با این حال بونو بیان می‌کند که وظیفه مسلمانان اطاعت از خدا و انجام وظیفه دینی است.

۲-۳-۲ بونو در بوته نقد:

کریستین بونو (یحیی بونو) محور انقلاب اسلامی ایران را بر عرفان امام خمینی (ره) استوار می‌کند و از این رو او این انقلاب و تحول را نوعی تحول عرفانی تلقی می‌کند و معتقد است که باید آن را انقلاب عرفانی امام خمینی (ره) نام نهاد و اساساً برای شناخت نظریات امام (ره) در الهیات به معنای اعم و اخص باید شرح مطالب اصلی اسفار و نظریات اساسی ملاصدرا را به عنوان چارچوب اصلی نظریات امام جستجو کرد. بونو در پی یافتن الگویی برای سعادت بشری به سمت هدف اصلی یعنی حضرت حق و نجات غرب از بحران معنوی و عرفانی است. او روش درست را شناخت عرفان واقعی شیعه که در امام خمینی (ره) متجلی شده است می‌داند. (۶۳)

در حقیقت بونو سعی دارد سطوح مختلف انقلاب اسلامی ایران و روحیات مردم ایران و به طور مشخص فرهنگ اسلامی ایرانیان را به غربی‌ها بشناساند و با این تعریف، جلوه‌ای جدید و تحول خواه از انقلاب اسلامی ایران به جهانیان نمایان کند.

۲-۴-۲ ژان پل سارتر (Jean - Paul Sartre)

ژان پل سارتر نمایش نامه نویس، رمان نویس و فیلسوف اگزیستانسیالیست فرانسوی در سال ۱۹۰۵ در پاریس متولد شد. او در سال‌های ۱۹۳۳ و ۱۹۳۴ میلادی برای انجام یک فرصت مطالعاتی به آلمان می‌رود و در برلین با نوشته‌های هایدگر آشنا می‌شود تا آنجا که کتاب «هستی و نیستی» خود را در سال ۱۹۴۱ میلادی با تأثیر از هایدگر می‌نویسد. او در سال ۱۹۷۳ میلادی قدرت بینایی‌اش را از دست می‌دهد و در اواخر عمرش کور و در آوریل ۱۹۸۰ میلادی بر اثر التهاب ریه در پاریس از دنیا رفت. (۶۴)

۲-۴-۱- سارتر و انقلاب اسلامی ایران:

نام سارتر زمانی برای ما آشنا شد که او به همراه تعداد زیادی از روشنفکران فرانسوی در سال ۱۹۷۵م در حمایت از انقلاب اسلامی ایران اعلامیه‌ای در اعتراض به دستگیری دو تن از نویسندگان ایرانی یعنی دکتر علی شریعتی و غلامحسین ساعدی صادر کرد. این گروه در سال ۱۹۷۸ زمانی که شور انقلابی و ظلم‌ستیزی مردم ایران به نقطه اوج خود رسید به تأسیس کمیته‌ای برای دفاع از زندانیان سیاسی در ایران اقدام کرد. (۶۵)

سارتر در اوایل انقلاب با تلاش‌های خود توانست بخشی از واقعیات انقلاب اسلامی ایران

را به جهان نشان دهد و آنها را از این رویداد منحصر به فرد مطلع کند. او همچنین طی یک اعلامیه خروج شاه از ایران را خواستار شد و ایشان کمک‌های شایسته و روشگراانه‌ای به جبهه انقلابیون کرد. (۶۶)

۳-۴-۲ سارتر در بوته نقد:

سارتر از آن جهت که روشنفکر زمانه خویش بوده از کنار حوادث و پدیده‌های اجتماعی به سادگی عبور نمی‌کرد. در خصوص جنگ‌های ویتنام و الجزایر موضع‌گیری کرد و صدای آزادی‌خواهی او در جهان منتشر شد ولی نقطه مبهم در کارنامه او عدم موضع‌گیری او در قبال مسئله فلسطین است که این می‌تواند موضوعی مناسب برای علت‌یابی تغییر موضع او باشد. (۶۷)

او حرکت مردم ایران را برای ماهیت بخشیدن به یک تفکر دسته جمعی و رفع استبداد تحسین می‌کند. اما در عین حال او یک تحلیل عمیق و فلسفی از انقلاب ایران ارائه نکرده است.

۲-۵- ریمون آرون (Raymond Aron)

آرون (۱۹۰۵-۱۹۸۲ م) جامعه‌شناس برجسته فرانسوی و یکی از هم عصران سارتر فارغ‌التحصیل دانشسرای عالی پاریس است. ایشان صاحب کرسی جامعه‌شناسی در دانشگاه سوربن فرانسه و عضو آکادمی علوم اجتماعی و سیاسی فرانسه بوده است و همچنین در زمینه روزنامه‌نگاری، تاریخ، فلسفه، اقتصاد، سیاست و روابط بین‌الملل از چهره‌های برجسته به شمار می‌آید و از جمله کتاب‌های او می‌توان به «مراحل اساسی اندیشه در جامعه‌شناسی»، «نیروی طبقاتی»، «درس‌های تازه درباره جوامع صنعتی»، «صلح و جنگ بین ملت‌ها» اشاره کرد. (۶۸)

او در زمینه پیروزی انقلاب اسلامی ایران سه مقاله منتشر کرد که در فاصله زمانی قبل و بعد از انقلاب اسلامی ایران نوشته شد و در نشریه «اکسپرس» به چاپ رسید. (۶۹)

۲-۵-۱- آرون و انقلاب اسلامی ایران

آرون در مقام یک جامعه‌شناس و استراتژیست به تحلیل انقلاب اسلامی ایران می‌پردازد و این انقلاب را از برون و با رویکردی استراتژیک مورد بررسی و تحلیل قرار می‌دهد. انقلاب ایران از آن جهت برای او مهم بوده است که در یک نقطه ژئوپلتیک جهان که منابع عظیم نفتی در آن وجود دارد، اتفاق افتاده است. او اندیشمندی ضد پوزیتیویست است که از لحاظ نظری می‌توان او را حد واسطی بین مارکس و توکویل قلمداد کرد که رویکردی لیبرالیستی به مسائل دارد. او در دهه‌های ۴۰ تا ۷۰ قرن بیستم در جبهه تفکری راست، رودروی سارتر

که نماینده جبهه چپ بود صف آرایی کرد و به جدال فکری و قلمی پرداخت و اختلاف فکری او در آثاری چون «افیون روشنفکران» و «انقلاب ناپیدا» هویدا است. (۷۰)

آرون با نوشتن سه مقاله در باب انقلاب اسلامی ایران، تحلیلی سیاسی و جامعه‌شناختی از این تحول در ایران ارائه می‌دهد. او علت‌های این انقلاب را در چند چیز شناسایی می‌کند:

الف) خفقان و استبدادی که در ایران وجود داشت و از طریق پلیس سیاسی [ساواک] در ایران اعمال می‌شد.

ب) شکاف اجتماعی: که در پی اعمال مدرنیزاسیون از سوی شاه باعث صف بندی مذهبی‌ها در برابر این تحولات شد.

ج) وجود مخالفانی که خود به چند دسته تقسیم می‌شدند از قبیل گروه کثیری از روحانیون و اندکی از بازماندگان حکومت قاجاریه که به شدت سرکوب می‌شدند و در پی کسب قدرت بودند. (۷۱)

از نظر ریمون آرون انقلاب ایران دارای دو مرحله بوده است؛ مرحله اول، با خروج شاه از ایران همراه بود و معلول خشونت‌های پلیس مخفی و اعمال ضد دین در ایران و ظلم به کشاورزان بود و مرحله دوم، که در واقع تقابل دو قدرت بود، یکی قلوب مردم را به دست در اختیار داشت که کسی جز امام خمینی (ره) نبود و دیگری رئیس شورای سلطنت در ایران یعنی شاهپور بختیار بود که جزو جبهه ملی بود و راضی به یک حکومت جمهوری با سلطنت مشروط بودند. (۷۲)

او معتقد است که هرگونه مقایسه بین انقلاب اسلامی ایران و انقلاب‌های اروپایی خطا است زیرا در این انقلاب تشیع بود که به عنوان یک روح کلی معرفی شد تا اینکه بتوانند به اسلام ناب دست پیدا کنند. (۷۳)

آرون، معتقد است که انقلاب سفید شاه در یک فضای سیاسی باز که بعد از یک دوره طولانی استبداد اتفاق افتاد نتوانست مانع انقلاب مردم در سال ۱۳۵۷ شود زیرا جامعه ایران یک دوره خفقان شدید از سوی رضاشاه را طی کرده بود و حکومت محمدرضا شاه نیز با کودتا و با اتکا به ساواک باقی مانده بود و در چنین فضایی اعطای فضای باز سیاسی باعث انفجار توده‌ها می‌شود و روش اعمال چنین سیاستی نیاز به یک استراتژی هوشمندانه و بسیار دقیق دارد که شاه فاقد آن بود؛ برعکس آنچه که در یونان عصر کنستانتین کارا مانلیس یا در اسپانیای بعد از فرانکو اتفاق افتاد؛ لذا تلاش‌ها و اقدامات انجام شده برای آزادسازی بعد از یک دوره طولانی استبداد و خفقان در ایران با شکست رو به رو شد. (۷۴)

۲-۵-۲- آرون در بوته نقد:

مرکز توجه آرون، به نفت سرشار ایران و موقعیت بسیار حساس و ژئوپلیتیک ایران در

خاورمیانه است. در حقیقت او با رویکردی استراتژیک به تحلیل انقلاب اسلامی ایران می‌پردازد و وقوع این انقلاب را به معنی تسلط بر نفت ارسالی به اروپا می‌داند که باعث فلج شدند چرخه اقتصادی اروپا خواهد شد. در نتیجه بروز هرج و مرج و روی کار آمدن حکومتی که با غرب سرناسازگاری داشته باشد برای او خوشایند نیست. (۷۵) و نگران انتقال این جنبش به سایر بخش‌های خاورمیانه است که لاجرم در پی آن، کاهش قدرت غرب را به دنبال خواهد داشت. (۷۶)

آرون تأثیر پر اهمیت تشیع در انقلاب ایران را به خوبی درک می‌کند اما تعریفی که از اسلام ناب ارائه می‌دهد تا حدودی با سیاه‌نمایی رو به رو است، او بیان می‌کنند که انقلابیون به حذف سینماها و هنر و هنرمندان خواهند پرداخت در صورتی که چنین اعمالی بعد از انقلاب اسلامی ایران مشاهده نشده است و برعکس شاهد فتوای امام در زمینه موسیقی و شطرنج بودیم که این خود پویایی فقه شیعه برای پاسخگویی به مسائل روز را نشان می‌دهد.

نتیجه‌گیری:

متفکران و اندیشمندان فرانسوی و همچنین نویسندگان، روزنامه نگاران و تحلیل‌گران این کشور به دلیل سابقه یک انقلاب بزرگ در کشور خود از جمله اولین کسانی بودند که علاقمند به تحلیل انقلاب ایران و پیگیری مسائل آن بودند. شاید یکی از این دلایل توجه زیاد به این پدیده حضور بنیانگذار انقلاب ایران حضرت امام خمینی برای مدتی در دوران انقلاب در این کشور باشد که باعث شده است آنها بیش از دیگران علاقه به مسایل ایران و انقلاب نشان دهند. به همین دلیل است که امروزه از این نظریه پردازان تحلیل‌های بیشتری در اختیار است و باز به همین دلیل است که ضرورت دارد این تحلیل‌ها مورد بازخوانی و تجزیه و تحلیل ویژه قرار گیرند. این مقاله سعی داشت تحلیل‌ها و تبیین‌های مهم‌ترین نظریه‌پردازان و تحلیل‌گران فرانسوی درباره انقلاب ایران را در یک دسته‌بندی خاص مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد و تا آنجا که ممکن باشد در یک جا جمع کند تا بتواند درباره آنها قضاوت کند. به همین منظور نظریات کسانی مانند فوکو، اولیویه روا، کریستیان برومبژه، ژان پیر دیگارد در سطح نظریه پردازانی که عمیق‌تر و علمی‌تر این پدیده را بررسی کرده بودند مورد توجه قرار گرفت و نویسندگانی مانند موریس دوورژه، کریستین برومبژه، کریستین بونو، روزه گارودی، ژان پل سارتر و ریمون آرون که به صورت پراکنده در آثار خود به تحلیل‌ها و یا موضع‌گیری‌های سیاسی پرداخته بودند در سطح دوم مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفتند.

massachn setts: Uorvard University Press

(۱۹۹۴): ۱۸۱

Ibid: ۱۷۴-۱۷

۱۸- رواد، اولیویر، «ایران: تشیع و انقلاب»، اندیشمندان علوم اجتماعی و انقلاب اسلامی ایران، مترجم: خرمشاد، محمد باقر، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران انتشارات باز، ۱۳۸۴: ۱۴۵.

۱۹- همان: ۱۳۴

۲۰- همان: ۱۴۲

Roy, Olivier, The Failure Of Political Islam, Translated by Carol Volk, ambridg, massachn setts: Uorvard University Press (۱۹۹۴): (۱۸۱)

Roy, Olivier, The Crisis Of Religious Iran. The Middle East ۲۲ -legitimacy In ABI/INFORM ; ۲, ۳۳; ۱۹۹۹ Journal, Spring ۲۰۲. Global Pg (vol) ۵۳, ۱۹۹۹ No, spring.

۲۳- رواد، اولیویر، «ایران: تشیع و انقلاب»، اندیشمندان علوم اجتماعی و انقلاب اسلامی ایران، مترجم: خرمشاد، محمد باقر، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران انتشارات باز، ۱۳۸۴: ۱۴۶ / همان: ۱۳۴

۲۴- Roy, Olivier (۱۹۹۹), The Crisis Of Religious legitimacy In Iran. The Middle East Journal, Spring ۲۰۱. INFORM Global Pg (vol) ۵۳, ۱۹۹۹ No, spring. ۲۰۲

۲۵- Ibid: ۲۰۶

۲۶- رواد، اولیویر، اسلام سیاسی در افغانستان، فصل نامه فرهنگی و اجتماعی گفتگو شماره ۲۹ پائیز ۱۳۷۹: ۱۴۵.

۲۷- رواد، اولیویر، «ایران: تشیع و انقلاب»، اندیشمندان علوم اجتماعی و انقلاب اسلامی ایران، مترجم: خرمشاد، محمد باقر، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران انتشارات باز، ۱۳۸۴: ۱۴۴.

۲۸- خرمشاد، محمدباقر، اندیشمندان علوم اجتماعی و انقلاب اسلامی ایران، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران انتشارات باز، ۱۳۸۴: ۱۴۴

۲۹- همان: ۵۴

http://www.hawzah.net/Hawzah-۳۰
Magazines/MagArt.aspx?MagazineNumberI
۷۹۳۳۷=id&۶۶۸۸=D

۳۱- برومبژ، کریستیان، «اسلام و انقلاب در ایران»، اندیشمندان علوم اجتماعی و انقلاب اسلامی ایران، مترجم: خرمشاد، محمد باقر، تهران، باز، ۱۳۸۴: ۵۴.

۳۲- همان: ۸۳

۳۳- همان: ۸۴

۳۴- همان: ۶۴

۳۵- همان: ۷۲

ارجاعات:

۱. کنستانتین کرامانیس (Constantian Kaaramanist): سیاستمدار یونانی متولد ۱۹۰۷ است که از سال ۱۹۵۵ تا ۱۹۶۳ نخست‌وزیر یونان شده و بین سالها ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۵ و نیز ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۵ ریاست جمهوری این کشور را برعهده داشت (خرمشاد، محمدباقر (۱۳۷۸): ۳۳۰ (نمایه))

۲. ژنرال فرانکو (Franco / ۱۸۹۲-۱۹۷۵) سیاستمدار اسپانیایی است که بعد از رهبری شورشهای ملی‌گرا بر علیه جمهوری خواهان و پیروزی بر آنها در سال ۱۹۳۹ یک رژیم اقتدارگرای کاتولیک در اسپانیا برقرار می‌نماید او از سال ۱۹۴۷ به بعد تبدیل رژیم سیاسی اسپانیا به یک رژیم پادشاهی همچون یک پادشاه مطلقه بر اسپانیا حکم می‌راند.

پی نوشت:

۱- فوکو، میشل، ایرانی‌ها چه رویایی در سر دارند، حسین معصومی همدانی، جلد ۱۳، انتشارات هرمس تهران، ۱۳۷۷، ص ۱۹ و ۲۰.

۲- دریفوس، هیوبرت، رابینو، پل، میشل فوکو فراسوی ساختارگرایی و هرمنوتیک، ترجمه: حسین بشیریه، تهران: نشر نی، ۱۳۷۶، ۱۳ و ۱۴.

۳- فوکو، میشل، نیچه، فروید، مارکس، ترجمه: افشین جهان دیده، مهرداد نورایی، بهنام جعفری، افشین خباز، تهران: هرمس، ۱۳۸۱، ۲

۴- ضمیران، محمد، میشل فوکو، تهران: هرمس، ۱۳۷۸: ۱۵۷.

۵- ضمیران، محمد، میشل فوکو، تهران: هرمس، ۱۳۷۸: ۱۵۸.

۶- خرمشاد، محمدباقر، فوکو و انقلاب اسلامی ایران، معنویت‌گرایی در سیاست، تهران: نشریه پژوهشنامه مبین ۱، شماره اول، سال اول، زمستان ۱۳۷۷: ۲۲۱.

۷- خرمشاد، محمدباقر، روشنفکران فرانسه و انقلاب اسلامی ایران، تهران: نشریه پژوهش حقوق و سیاست ۱ سال اول، شماره ۱، پائیز - زمستان ۱۳۷۸: ۳۲۶.

۸- همان، ۳۲۶.

۹- فوکو، میشل، نیچه، فروید، مارکس، ترجمه: افشین جهان دیده، مهرداد نورایی، جعفری، بهنام، خباز، افشین، تهران، هرمس، ۱۳۸۱: ۶۳.

۱۰- خرمشاد، محمدباقر، فوکو و انقلاب اسلامی ایران، معنویت‌گرایی در سیاست، تهران: نشریه پژوهشنامه مبین ۱، شماره اول، سال اول، زمستان ۱۳۷۷: ۲۱۴.

۱۱- همان، ۲۲۱.

۱۲- همان، ۲۱۲-۲۱۵.

۱۴- رواد، اولیویر، افغانستان اسلام و نوگرایی سیاسی، ترجمه: ابوالحسن سرو قد مقدم، مشهد: آستان قدس معاونت فرهنگی، ۱۳۶۹: پشت جلد.

۱۵- خرمشاد، محمدباقر، اندیشمندان علوم اجتماعی و انقلاب اسلامی ایران، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران انتشارات باز ۱۳۸۴: ۱۲۹.

Roy, Olivier, The Failure Of Political Islam, Translated by Carol Volk, ambridg,

- ۳۶- همان: ۸۱.
- ۳۷- همان: ۶۹.
- ۳۸- همان: ۵۶.
- ۳۹- همان: ۵۷.
- ۴۰- همان: ۶۷.
- ۴۱- همان: ۶۲ و ۶۱.
- ۴۲- خرمشاد، محمدباقر، اندیشمندان علوم اجتماعی و انقلاب اسلامی ایران، تهران، انتشارات باز، ۱۳۸۴: ۱۱۳.
- ۴۳- شجاعیان، محمد، انقلاب اسلامی و ره‌یافت فرهنگی (تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر نظریه‌های انقلاب)، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۲: ۱۹۹.
- ۴۴- پیردیگارد، ژان، «مردم شناسان نزد آیت الله‌ها»، اندیشمندان علوم اجتماعی و انقلاب اسلامی ایران، مترجم: خرمشاد، محمد باقر، تهران، باز، ۱۳۸۴: ۱۲۲.
- ۴۵- شجاعیان، محمد، انقلاب اسلامی و ره‌یافت فرهنگی (تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر نظریه‌های انقلاب)، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۲: ۲۰۳.
- ۴۶- پیر دیگارد، ژان، «مردم شناسان نزد آیت الله‌ها»، اندیشمندان علوم اجتماعی و انقلاب اسلامی ایران، مترجم: خرمشاد، محمد باقر، تهران، باز، ۱۳۸۴: ۱۲۶.
- ۴۷- پیر دیگارد، ژان، «مردم شناسان نزد آیت الله‌ها»، اندیشمندان علوم اجتماعی و انقلاب اسلامی ایران، مترجم: خرمشاد، محمد باقر، تهران، باز، ۱۳۸۴: ۱۲۴.
- ۴۸- خرمشاد، محمدباقر، اندیشمندان علوم اجتماعی و انقلاب اسلامی ایران، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران انتشارات باز، ۱۳۸۴: ۱۰.
- ۴۹- سوبرگ شوگارت، هاتویو، دایره‌المعارف دموکراسی، قانون دوزره، ترجمه نسربین طباطبایی، اعتماد(ضمیمه)، ۱۳۸۸.
- ۵۰- خرمشاد، محمدباقر، روشنفکران فرانسه و انقلاب اسلامی ایران، تهران: نشریه پژوهش حقوق و سیاست ۱ سال اول، شماره ۱، پائیز - زمستان، ۱۳۷۸: ۳۳۳.
- ۵۱- همان: ۳۳۳.
- ۵۲- همان: ۳۳۳.
- ۵۳- دوورژه، موریس، «استبداد نظامی»، اندیشمندان علوم اجتماعی و انقلاب اسلامی ایران، مترجم: خرمشاد، محمد باقر، تهران، باز، ۱۳۸۴: ۱۱.
- ۵۴- <http://www.answers.com/topic/orger> - garaudy
- ۵۵- گارودی، روژه، توطئه علیه انقلاب اسلامی ایران، ترجمه: محمدعلی برزویی، مجتبی‌امانی، نشریه راه مردم ۷۸/۵/ ۱۲۵.
- ۵۶- گارودی، روژه (بی‌تا)، یک دیدگاه درباره انقلاب اسلامی ایران، تاریخ معاصر ایران ۲۳ و ۲۴.
- ۵۷- گارودی، روژه، توطئه علیه انقلاب اسلامی ایران، ترجمه: محمدعلی برزویی، مجتبی‌امانی، نشریه راه مردم ۷۸/۵/ ۱۲۵.
- ۵۸- گارودی، روژه (۱۳۷۷)، نظریه‌ی برخورد تمدن‌ها در ضد انقلاب اسلامی ایران، عصر آزادگان ۷۷/۵/۱۰.
- ۵۹- گارودی، روژه (بی‌تا)، یک دیدگاه درباره انقلاب اسلامی ایران، تاریخ معاصر ایران ۲۳ و ۲۴.
- ۶۰- گفتگو بونو، یحیی، امام خمینی بزرگترین عارف قرن بود، کیهان (۷۸/۷/۱).
- ۶۱- همان
- ۶۲- همان
- ۶۳- <http://www.Iptra.Ir/vdcejh>
- ۶۴- کاوه، فرهاد، ژان پل سارتر، شرق: ۸۴/۳/۳۱ (قابل دسترسی در نمایه)
- ۶۵- خرمشاد، محمدباقر، روشنفکران فرانسه و انقلاب اسلامی ایران، تهران: نشریه پژوهش حقوق و سیاست ۱ سال اول، شماره ۱، پائیز - زمستان، ۱۳۷۸: ۳۲۴.
- ۶۶- همان: ۳۲۵ (نمایه)
- ۶۷- سعید، ادوارد، متفکری که چشم خود را بر فلسطین بست: برخورد من با سارتر، ترجمه: فرمنش بهمن، حزب الله (قابل دسترسی در نمایه) ۱۳۸۶/۴/۱۴
- ۶۸- خرمشاد، محمدباقر، روشنفکران فرانسه و انقلاب اسلامی ایران، تهران: نشریه پژوهش حقوق و سیاست ۱ سال اول، شماره ۱، پائیز - زمستان، ۱۳۷۸: ۳۲۸
- ۶۹- خرمشاد، محمدباقر (۱۳۷۸)، روشنفکران فرانسه و انقلاب اسلامی ایران، تهران: نشریه پژوهش حقوق و سیاست ۱ سال اول، شماره ۱، پائیز - زمستان، ۱۳۷۸: ۱۴.
- ۷۰- خرمشاد، محمدباقر، اندیشمندان علوم اجتماعی و انقلاب اسلامی ایران، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران انتشارات باز، ۱۳۸۴: ۱۴.
- ۷۱- آرون، ریمون، «شاه، مردم و ارتش»، اندیشمندان علوم اجتماعی و انقلاب اسلامی ایران، مترجم: خرمشاد، محمد باقر، تهران: باز، ۱۳۸۴: ۱۷-۱۵.
- ۷۲- آرون، ریمون، «آرامش شتر مرغی»، اندیشمندان علوم اجتماعی و انقلاب اسلامی ایران، مترجم: خرمشاد، محمد باقر، تهران، باز، ۱۳۸۴: ۲۱ و ۲۰
- ۷۳- آرون، ریمون، «پیامبر بی سلاح»، اندیشمندان علوم اجتماعی و انقلاب اسلامی ایران، مترجم: خرمشاد، محمد باقر، تهران، باز، ۱۳۸۴: ۲۶.
- ۷۴- خرمشاد، محمدباقر، روشنفکران فرانسه و انقلاب اسلامی ایران، تهران: نشریه پژوهش حقوق و سیاست ۱ سال اول، شماره ۱، پائیز - زمستان، ۱۳۷۸: ۳۳۰ و ۳۳۱.
- ۷۵- آرون، ریمون، «آرامش شتر مرغی»، اندیشمندان علوم اجتماعی و انقلاب اسلامی ایران، مترجم: خرمشاد، محمد باقر، تهران، باز، ۱۳۸۴: ۲۰
- ۷۶- همان: ۲۱ و ۲۲.

منابع:

الف: منابع فارسی

- ۱- فوکو، میشل (۱۳۸۱)، نیچه، فروید، مارکس، ترجمه: افشین جهان دیده، مهرداد نورایی، بهنام جعفری، افشین خباز، تهران: هرمس.
- ۲- هیوبرت دریفوس، پل رابینو (۱۳۷۶)، میشل فوکو فراسوی ساختارگرایی و هرمنوتیک، ترجمه: حسین بشیریه، تهران: نشر نی.
- ۳- ضمیران، محمد (۱۳۷۸)، میشل فوکو، تهران: هرمس.
- ۴- خرمشاد، محمدباقر (۱۳۷۷)، فوکو و انقلاب اسلامی ایران، معنویت‌گرایی در سیاست، تهران: نشریه پژوهشنامه مبین ۱، شماره اول، سال اول، زمستان ۱۳۷۷ (قابل دسترسی در نمایه)
- ۵- خرمشاد، محمدباقر (۱۳۷۸)، روشنفکران فرانسه و انقلاب اسلامی ایران، تهران: نشریه پژوهش حقوق و سیاست ۱ سال اول، شماره ۱، پاییز - زمستان ۱۳۷۸. (قابل دسترسی در نمایه)
- ۶- میشل فوکو، (۱۳۷۷)، ایرانی‌ها چه رویایی در سردارند، جلد ۳، ترجمه: حسین معصومی همدانی، تهران: هرمس.
- ۷- روسو، ژان ژاک (۱۳۵۲)، قرارداد اجتماعی، ترجمه: منوچهر کیا، تهران: گنجینه
- ۸- هاتیو سویرگ شوگار (۱۳۸۸)، قانون دوروزه، ترجمه: طباطبایی نسرين، اعتماد (ضمیمه) ۲۰۲۹ (دسترسی در نمایه تا مهر ۱۳۸۸)
- ۹- زرشناسی، شهریار (۱۳۸۴)، فوکو و انقلاب ایران، اعتماد ملی ۸۴/۱۲/۱۳ (قابل دسترسی در نمایه ۱۷۷)
- ۱۰- رواج اولیویر (۱۳۶۹)، افغانستان اسلام و نوگرایی سیاسی، ترجمه: ابوالحسن سرو قد مقدم، مشهد: آستان قدس معاونت فرهنگی
- ۱۱- خرمشاد، محمدباقر (۱۳۸۴)، اندیشمندان علوم اجتماعی و انقلاب اسلامی ایران، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران انتشارات باز.
- ۱۲- رواج اولیویر (۱۳۸۴)، «ایران: تشیع و انقلاب»، اندیشمندان علوم اجتماعی و انقلاب اسلامی ایران، مترجم: خرمشاد، محمد باقر، تهران: باز
- ۱۳- شجاعیان، محمد (۱۳۸۲)، انقلاب اسلامی و رهیافت فرهنگی: تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر نظریه‌های انقلاب، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی
- ۱۴- گارودی، روزه (۱۳۷۸)، توطئه علیه انقلاب اسلامی ایران، ترجمه: محمدعلی بزویی، مجتبی امانی، راه مردم ۷۸/۵/ ۱۲ (قابل دسترسی در نمایه)
- ۱۵- گارودی، روزه (۱۳۷۷)، نظریه‌ی برخورد تمدن‌ها در ضد انقلاب اسلامی ایران، عصر آزادگان ۷۷/۵/۱۰ (قابل دسترسی در نمایه)
- ۱۶- گارودی، روزه (بی‌تا)، یک دیدگاه درباره انقلاب اسلامی ایران، تاریخ معاصر ایران ۱۳ و ۲۴. (قابل دسترسی در نمایه ۷۷)
- ۱۷- گفتگو بونو، یحیی (۱۳۷۸)، امام خمینی بزرگترین عارف قرن بود، کیهان (۷۸/۷/۱).
- ۱۸- فرهاد کاوه (۱۳۸۴)، ژان پل سارتر، شرق: ۸۴/۳/۳۱
- (قابل دسترسی در نمایه)
- ۱۹- سعید، ادوارد (۱۳۸۶)، متفکری که چشم خود را بر فلسطین بست: برخورد من با سارتر، ترجمه: فرمنش بهمن، حزب الله (۱۳۸۶/۴/۱۴) (قابل دسترسی در نمایه)
- ۲۰- ناصر جمالزاده، میثم آقادی (۱۳۸۸)، جایگاه و تأثیر کتاب «کشف الاسرار» امام خمینی (ره) در تحولات سیاسی تاریخ معاصر ایران، فصل نامه فرهنگی - اجتماعی خط اول، سال سوم، شماره ۹، تابستان.
- ۲۱- ناصر جمالزاده (۱۳۸۷)، مذهب و انقلاب در ایران، چالش برای تعدیل و تعمیم نظریه‌های انقلاب، از گفتارهایی درباره انقلاب اسلامی ایران، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- ۲۲- دوروزه، موريس (۱۳۸۴)، «استبداد نظامی»، اندیشمندان علوم اجتماعی و انقلاب اسلامی ایران، مترجم: خرمشاد، محمد باقر، تهران: باز
- ۲۳- آرون، ریمون (۱۳۸۴)، «شاه، مردم و ارتش»، اندیشمندان علوم اجتماعی و انقلاب اسلامی ایران، مترجم: خرمشاد، محمد باقر، تهران: باز
- ۲۴- آرون، ریمون (۱۳۸۴)، «آرامش شتر مرغی»، اندیشمندان علوم اجتماعی و انقلاب اسلامی ایران، مترجم: خرمشاد، محمد باقر، تهران: باز
- ۲۵- برومیرژه، کریستیان (۱۳۸۴)، «اسلام و انقلاب در ایران»، اندیشمندان علوم اجتماعی و انقلاب اسلامی ایران، مترجم: خرمشاد، محمد باقر، تهران: باز
- ۲۶- پیر دیگارد، ژان (۱۳۸۴)، «مردم شناسان نزد آیت الله‌ها»، اندیشمندان علوم اجتماعی و انقلاب اسلامی ایران، مترجم: خرمشاد، محمد باقر، تهران: باز
- ۲۷- حسینیان، روح الله (۱۳۸۲)، چهارده قرن تلاش شیعه برای ماندن و توسعه، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- ۲۸- رواج اولیویر (۱۳۷۹)، اسلام سیاسی در افغانستان، فصل نامه فرهنگی و اجتماعی گفتگو شماره ۲۹ پاییز ۱۳۷۹.

ب - منابع انگلیسی:

- 1- Roy, Olivier (1994), The Failure Of Political Islam, Translated by Carol Volk, ambridg, massachn setts: Uorvard University Press.
- 2- Roy, Olivier (1999), The Crisis Of Religious legitimacy In Iran. The Middle East Journal, Spring 1999; 33, 2; ABI/INFORM Global Pg.201 (vol 53, No, spring 1999)

ج - سایت:

۱- <http://farsi.kamenei.ir/page?Id=۵۶۵۷>

گفتگو با دکتر محمد باقر خرمشاد.

2- <http://www.hawzah.net/Hawzah/Magazines/MagArt.aspx?MagazineNumberID=6688&id=79337>

۳- بونو، یحیی، امام خمینی عارف ناشناخته‌ی قرن، سایت کانون ایرانی پژوهشگران فلسفه و حکمت. (<http://www.Iptra.Ir/vdcejh>)